

سه شنبه 6 مرداد 5 شعبان 28 ژوئیه

درباره تولد با سعادت امام علي بن الحسين(ع)، معروف به امام زين العابدين(ع) اتفاق دیدگاهی میان مورخان و سیره نگاران نیست...

**ميلاد فرخنده امام زين العابدين(ع) در سال 38 هجري قمری**

درباره تولد با سعادت امام علي بن الحسين(ع)، معروف به امام زين العابدين(ع) اتفاق دیدگاهی میان مورخان و سیره نگاران نیست. برخی از آنان پنجم شعبان، برخی هفتم و برخی نهم این ماه و برخی نیمه جمادی الاولی را روز تولدش دانسته اند و هم چنین برخی از آنان سال 38 و برخی سال 36 و برخی دیگر سال 37 قمری را سال تولد آن حضرت ذکر کرده اند. ولیکن معروف و مشهور در میان شیعیان، روز پنجم شعبان سال 38 قمری، تاریخ تولد آن حضرت می باشد.

پدرش امام حسین بن علي(ع) و مادرش شهربانو دختر یزدگرد سوم است. بنابراین، آن حضرت هم از سوی پدر و هم از جانب مادر به حاکمان و زمامداران عرب و فارس منتهی می شود. زیرا وی از سوی پدر با يك واسطه به امیرمؤمنان علي بن ابي طالب(ع)، خلیفه و جانشین پیامبر(ص) و با دو واسطه به پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) و از سوی مادر با يك واسطه به یزدگرد سوم، امپراتور و شهريار ایران منتهی می گردد. برای مادرش شهربانو، نام های دیگری چون: شاه زنان، جهان بانو، سلافه، خوله و بره نیز ذکر گردیده است و پس از ازدواج با امام حسین(ع) به "سیده النساء" معروف گردید.

بنا به روایت شیخ مفید(ره)، امام علي بن ابي طالب(ع) در عصر خلافت خویش، حرث بن جابر حنفي را به حکومت یکی از نواحی شرق عالم اسلام، بر گمارد و او در زمان حکومت خود، دو دختر یزدگرد سوم، امپراتور بزرگ ایران را به نزد آن حضرت فرستاد. امام علي(ع) یکی از آن دو [شهربانو] را به فرزندش حسین(ع) بخشید و از آن بانوی شریف، امام سجاد(ع) متولد گردید و دیگری را به محمد بن ابي بکر واگذاشت و جناب قاسم بن محمد از او متولد شد. بنابراین، امام سجاد و قاسم بن محمد بن ابي بکر، پسرخاله یکدیگر می باشند.

گفتنی است که قاسم بن محمد، جدّ مادري امام جعفر صادق(ع) می باشد.

درباره محل تولد امام زين العابدين(ع) اکثر مورخان، شهر مدینه را ذکر کرده اند. ولیکن با توجه به این که تولد آن حضرت، بنا به گفته بسیاری از تاریخ نگاران، دو سال پیش از شهادت امام علي بن ابي طالب(ع) بود و در ایام خلافت آن حضرت، تمامی فرزندان و خانواده وی، به همراهش در کوفه به سر می بردند و تا صلح امام حسن مجتبی(ع) در کوفه استقرار داشتند، باید محل تولد آن حضرت، شهر کوفه باشد، نه شهر مدینه!

لقب های شریف آن حضرت عبارتند از: زين العابدين، سيدالعابدين، سيدالصابدين، زين الصالحين، وارث علم النبيين، سجّاد، زاهد، عابد، بگاء، ذوالثفتان، زكي و امين.

کنیه های آن حضرت عبارتند از: ابومحمد، ابوالحسن و به قولی ابوالقاسم.

گفتنی است که نسل ابي عبدالله الحسين(ع)، منحصرأً از امام زين العابدين(ع) تکثیر و توسعه یافت و تمامی سادات حسینی، به این امام همام، منتهی می گردند.

امام زين العابدين(ع) در زندگی خویش با زمامداران ذیل معاصر بود:

1- امام علي بن ابي طالب(ع)، از بني هاشم

2- امام حسن مجتبی(ع)، از بني هاشم

3- معاویه بن ابي سفیان، از بني امیه

4- یزید بن معاویه، از بني امیه

5- معاویه بن یزید، از بني امیه

6- عبدالله بن زبیر، از زبیر بن عوام

7- مروان بن حکم، از بني امیه

8- عبدالملك بن مروان، از بني امیه

9- ولید بن عبدالملك، از بني امیه

امام زين العابدين(ع) جز در ایام خلافت امیرمؤمنان علي بن ابي طالب(ع) که دادگرتین و شایسته ترین زمامدار اسلامي و ایام کوتاه مدت فرزندش امام حسن مجتبی(ع) که راه و رسم پدرش را به نیکی ادامه می داد، از سایر خلفا و حاکمان و عاملان محلی آنان، فشارها و ستم های زیادی متحمل گردید، که زشت ترین و فجیع ترین آن ها از سوی یزید بن معاویه به وی تحمیل گردید، یزید در حکومت خویش، امام حسین(ع) و یارانش را در کربلا شهید و بازماندگانش، از جمله امام زين العابدين(ع) را اسیر نمود و از این بابت قلوب اهل بیت(ع) و مؤمنان اصیل را جریحه دار ساخت و لعن ابدی را برای خویش و هم دستان خود فراهم نمود.

امام زین العابدین (ع) پس از شهادت پدر ارجمندش امام حسین (ع)، بنا به وصیت آن حضرت، به مقام امامت نایل آمد و به مدت 35 سال عهده دار مقام عظمی ولایت و امامت شیعیان بود و سرانجام در محرم سال 95 قمری، از سوی ولید بن عبدالملک، مسموم و سپس به شهادت رسید و در قبرستان بقیع، در کنار قبر مطهر عمویش امام حسن مجتبی (ع) به خاک سپرده شد.

درگذشت محمد بن زکریای رازی در سال 313 هجری قمری

محمد بن زکریای رازی پزشک مشهور و کاشف الکل در سال 313 هجری قمری با زندگی وداع کرد. حرفه رازی زرگری و صرافی بود و او از این رهگذر بتدریج به کیمیاگری علاقمند شد و توانست ماهیت فلزات را دگرگون سازد. رازی از مشاهیر علوم پزشکی، هندسه، منطق و علوم فلسفی بشمار می رود. او که به «طیب المسلمین و جالینوس عرب» شهرت دارد علاوه بر داشتن دانش بسیار در پزشکی و جراحی، شیمیایی برجسته بود. رازی سالیان متمادی از عمر خود را صرف تجزیه و تحلیل و ترکیب اجسام و مواد طبیعی کرد و موفق شد که اسید سولفوریک را از اجزای سبز با سنگ گوگرد بدست آورد. محمد بن زکریای رازی این نایفه دوران و دانشمند شهیر ایرانی نخستین کسی بود که الکل را استخراج کرد. رازی تألیفات متعددی دارد که این تألیفات درباره «کیمیا، طب، الهیات و فلسفه اند». «الحوای و طب منصور» از ارزشمندترین آثار محمد بن زکریای رازی بشمار می روند.

آغاز قیام سربرداران سبزوار در سال 737 هجری قمری

قیام سربرداران سبزوار در سال 737 هجری قمری آغاز شد. رهبری این قیام را امین الدین عبدالرزاق پسر خواجه فضل الله باشتینی برعهده داشت. پیروان وی از لان رو خود را سربردار می خواندند که معتقد بودند «اگر توفیق یابیم دفع ظالمان کنیم و الا سرخود بردار بینیم که تحمل تعدی و ظلم را نداریم». امیران سلسله سربرداریه نزدیک به 50 سال در سبزوار و برخی از ولایات مجاور آن فرمانروایی کردند. آنان در راه ترویج تشیع تلاش فراوان کردند. سلسله سربرداریه با کشته شدن علی بن مؤید بدست تیمور گورکانی منقرض شد. قیام سربرداران خراسان در حرکت‌های انقلابی بعدی برضد ظالمان مغول تأثیرشگرفی داشت.

انعقاد عهدنامه ننگین ترکمانچای بین نمایندگان ایران و روسیه در سال 1243 هجری قمری

نمایندگان ایران و روسیه عهدنامه ننگین ترکمانچای در سال 1243 هجری قمری را منعقد کردند. این عهدنامه در زمان فتحعلی شاه قاجار با میانجیگری دولت انگلستان منعقد شد و به موجب آن ولایات ایروان و نخجوان به روسیه واگذار شد و حق کشتیرانی در دریای خزر مجدداً به کشتی‌های روسی واگذار شد. دولت روسیه نیز ولیعهدی عباس میرزا را برسمیت شناخت و از آن حمایت کرد. همچنین کلیه اتباع روسی براساس عهدنامه ترکمانچای از حمایت قوه قضائیه ایران برخوردار شدند.

آغاز عملیات مضان در سال 1360 هجری شمسی

عملیات مضان در سال 1360 هجری شمسی توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و همراهی ارتش جمهوری اسلامی ایران در محور حمیدیه - کرخه نور آغاز شد. در این عملیات رزمندگان اسلام حدود چهار کیلومتر پیشروی کردند و ضمن انهدام چهل دستگاه تانک و نفر بر؛ حدود دویست تن از افراد دشمن را هلاک کرده، یکصد و نود و هفت تن دیگر را نیز اسیر کردند.

عملیات مرصاد در سال 1367 هجری شمسی

بشر المنافقون بان لهم عذاباً الیماً. (ترجمه: منافقون را بشارت ده که برای آنان عذاب سخت دردناک خواهد بود). نفاق از پدیده‌های شوم و خطرناک جوامع انسانی بویژه جوامع اسلامی است که می‌تواند در اثر کوچکترین غفلت، زمینه تحقق توطئه‌های دشمنان را برای نابودی آن جوامع فراهم سازد. خداوند تبارک و تعالی در آیات فراوانی در قرآن مجید خطر منافقین را گوشزد می‌نماید، و ضمن کوبیدن شخصیت آنها سخت تحقیرشان می‌کند و رسوایشان می‌سازد تا در جامعه جرأت خودنمایی نداشته باشند. طبق آیات الهی، منافقین، علیه اسلام و جامعه اسلامی نقشه می‌کشند و از درون توطئه می‌کنند و با ظاهرسازی و چهره در نقاب می‌خواهند خدا را فریب دهند ولی خداوند از نقشه و توطئه و راز دل آنان آگاه است. و همه نقشه‌های آنها را نقش بر آب می‌کند و توطئه‌هایشان را به خودشان برمی‌گرداند.

ان المنافقین یخادعون الله و هو خادعهم (ترجمه: همانا منافقون با خدا مکر و حیل می‌کنند و خدا نیز با آنها مکر می‌کند یعنی مکرشان را باطل می‌سازد و بر آن مکر و نفاق، مجازاتشان هم خواهد کرد.)

آشکار شدن چهره نفاق سازمان مجاهدین خلق:

همزمان با اوجگیری نهضت اسلامی ایران و پیروزی آن در 1357، سازمان باصلاح مجاهدین خلق با این اعتقاد که نظام مقدس جمهوری اسلامی نظامی مرتجع است و با بزرگ جلوه دادن خطر ارتجاع، مبارزه علیه انقلاب اسلامی و برنامه ریزی جهت به دست گرفتن حکومت را آغاز کرد.

سازمان با جمع آوری سلاح از پادگانها و جذب و اغفال نیروهای جوان و سازماندهی آنها در پی فراهم شدن يك زمینه اجتماعی مناسب بود. در ابتدا مزورانه خود را همگام و همراه نهضت اسلامی نشان می‌داد و حتی تمثال مبارک امام "ره" را نیز در کنار آرم سازمان قرار داده و از امام "ره" به عنوان رهبری قاطع و سازش ناپذیر یاد می‌کرد.

با پیروزی بنی صدر در اولین انتخابات ریاست جمهوری، منافقین وی را عامل مهمی برای رسیدن به اهداف خود یافتند و حمایت از او را در صدر برنامه‌های خویش قرار دادند.

با خیانت آشکار بنی صدر و وقایعی که پیرامون این خیانت به وجود آمد. مجلس شورای اسلامی رأی به عدم کفایت سیاسی بنی صدر و برکناری او داد و امام "ره" قاطعانه وی را ابتدا از فرماندهی کل قوا و سپس براساس اصل 110 قانون اساسی از ریاست جمهوری عزل نمودند.

با برکناری بنی صدر، منافقین زمینه اجتماعی را برای آغاز مبارزه علنی علیه نظام جمهوری اسلامی مناسب دیدند و به خیال

خام خود زمان را برای سرنگونی حکومت مناسب یافتند.
اعلان جنگ مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی ایران:

همزمان با عزل بنی صدر از ریاست جمهوری، منافقین که تنها امید خود را از دست رفته می دیدند در تاریخ 30 خرداد 1360 با انتشار اطلاعیه ای علیه نظام جمهوری اسلامی ایران اعلان جنگ مسلحانه کردند و در صدد نابودی انقلاب اسلامی برآمدند. منافقین با ایجاد آشوب و هرج و مرج در شهرها، به آتش کشیدن وسایل نقلیه عمومی، ضرب و شتم مردم بی دفاع و ترورهای کورکورانه، علیه نظام اسلامی به پا خاستند؛ اما جبهه متحد ضد انقلاب به سرکردگی منافقین با رهنمودهای قاطع رهبر کبیر انقلاب اسلامی و هوشیاری مردم حاضر در صحنه، در همان ساعات اولیه مضمحل شد. در این حادثه 14 تن از پاسداران انقلاب اسلامی و مردم به شهادت رسیدند.

سازمان که در این روز نتوانسته بود به اهداف خود برسد، جهت تضعیف نظام و ساقط نمودن آن، دست به ترورهای ناجوانمردانه زد و ترور شخصیتها را در سرلوحه کار خود قرار داد؛ اما از آنجایی که خداوند متعال وعده فرموده که کید و مکر منافقان را به خودشان باز می گرداند با هوشیاری مردم و شناسایی مخفیگاههای آنها در داخل کشور توسط نیروهای انقلاب، کاملاً قلع و قمع شدند و سران سازمان که زمانی شعار مبارزه با امپریالیسم جهانی را سر داده بودند به دامان امپریالیسم پناهنده شدند و نوکری آنها را بر عهده گرفتند و در خارج از مرزهای کشور به توطئه ها و دسیسه های متنوع خود علیه نظام اسلامی ادامه دادند. امام "ره" در این رابطه فرمودند:

" اینان که از امپریالیسم انتقاد سرسختانه منافق گونه می کردند، اکنون معلوم شد که چهره واقعی آنان چه چهره کربهی است و امروز به خوبی روشن است که اینان به دامان امپریالیسم پناهنده و با کمک آنان به توطئه علیه جمهوری اسلامی برخاسته اند و با شایعه سازی و دروغ پردازی می خواهند جوانان معصوم را به دام بکشند و با استفاده از خون مظلومان و گول خوردگان، امر اربابانشان را اجرا کنند."

باعزل بنی صدر و رسوایی منافقان کوردل، کوششهای جبهه ضد انقلاب در ساقط نمودن انقلاب اسلامی خنثی شد و بار دیگر لطف و عنایت خداوندی شامل حال این امت گردید.

این پیروزی بزرگ، انقلاب سوم نامگذاری شد و مردم انقلابی که درگیر با رژیم بعث عراق بودند تمام توان خویش را بعد از این حوادث، جهت پیروزی در جبهه های جنگ معطوف کردند.

عملیات مرصاد، مرگ سیاسی و نظامی سازمان منافقین:

پذیرش قطعنامه 598 از سوی ایران، عراق را در بن بست سیاسی و نظامی شدید قرار داد، و توطئه های وسیعی را که از جانب استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی تدارک دیده شده بود نقش بر آب کرد و بر گروهها و عناصر باصطلاح "اپوزیسیون" نیز شوک شدید وارد ساخت. در این میان، منافقین به عنوان تنها گروهی که همه حیثیت و هستی سازمان خود را در گرو جنگ نهاده بودند، بیشترین صدمه و لطمه را از پذیرش قطعنامه توسط ایران متحمل شدند؛ و برای خروج از این بن بست، توطئه ای که مأموریت اجرای آن را به عهده داشتند به مرحله اجرا درآوردند.

منافقین در تحلیلهای درون گروهی خویش، امکان قبول آتش بس از سوی ایران را غیر ممکن دانسته و به صراحت ادعا می کردند که جمهوری اسلامی تنها زمانی به صلح رضایت خواهد داد که از جنبه های سیاسی، نظامی و اقتصادی به بن بست کامل رسیده باشد و تحت چنین شرایطی سقوط رژیم حتمی و در نتیجه قدرت حکومتی به سازمان منتقل خواهد شد. بنابراین فرصت پیش آمده را زمان مناسبی برای دستیابی به اهداف پلید خود دانسته و علیرغم آن که طرح حمله به ایران برای سالگرد جنگ تدارک دیده شده بود، به دنبال پذیرش قطعنامه 598 از سوی جمهوری اسلامی، زمان آن دو ماه به جلو انداخته شد.

قبل از این، اطلاعاتی به دست آمده بود که رژیم عراق در صدد است، در مرحله جدید جنگ با استفاده از ضد انقلابیون دست به یکسری عملیات بزند، از آنجا که عراق به خاطر پذیرش قطعنامه، بهانه ای برای تجاوز جدید به ایران نداشت، با حمایت و پشتیبانی تسلیحاتی، لجستیکی و هوایی از منافقین، نیروهای خود را از انجام دخالت مستقیم در ورود به عمق خاک ایران برحذر داشت. به همین منظور، ابتدا برای کاستن از حجم نیروهای خودی در غرب، اقدام به تکیه وسیعی در خرمشهر نمود و سپس با هجوم و آتش سنگین در منطقه سرپل ذهاب و صالح آباد، این مناطق را به تصرف در آورد و راه ورود منافقین به داخل را هموار ساخت، عراق همچنین، پس از ورود منافقین به داخل، جهت پشتیبانی در چندین نوبت، اقدام به بمباران هوایی خطوط و نیروهای ایرانی کرد و هلیکوپترهای نیروی هوایی عراق نیز، طی این مدت مرتباً به پشتیبانی منافقین مشغول بودند.

هدف عملیاتی منافقین از حرکت سریعی که در عمق خاک ایران و با تانکهای برزیلی دجله (دارای چرخهای لاستیکی و سرعتی معادل 120 کیلومتر در ساعت) انجام می شد، تسخیر چندین شهر و در آخر رسیدن به تهران بود.

منافقین در نظر داشتند با وارد کردن 13 تیپ نیروی رزمی در تهران، ضمن تسخیر و اشغال مراکز مهم، قدرت را به خیال خود به دست گیرند. بر طبق زمانبندی این طرح، نیروهای آنها بایستی ساعت 6 بعد از ظهر روز دوشنبه 3 مرداد به کربلا و ساعت 8 شب به اسلام آباد و 10 شب به کرمانشاه رسیده و در این شهر، دولت خویش را اعلام نمایند. اگر چه در ساعتی مقرر به کربلا و اسلام آباد رسیدند؛ اما در مسیر اسلام آباد - کرمانشاه در گردنه حسن آباد، از پیشروی آنها جلوگیری شد.

در این عملیات که منافقین نام "فروغ جاویدان" را انتخاب کرده بودند، باصطلاح با 25 تیپ (هر تیپ به طور متوسط شامل 200 نفر بود) شرکت داشتند و بدین ترتیب مجموعاً بین 4 تا 5 هزار نیروی عملیاتی وارد خاک ایران شدند.

در چارت مربوط به این عملیات که از منافقین به دست آمده، فرماندهی کل در رأس آن قرار داشته و از طریق مسئولین محورها، عملیات را هدایت می کرد.

مقارن ساعت 14/30، در تاریخ 67/5/3 منافقین و ارتش عراق، عملیات مشترک خود را با هجوم زمینی از طریق سر پل ذهاب و هلی برد از جنوب گردنه "پاطاق" (نزدیکی سرپل ذهاب) آغاز و به طرف شهر "کزند غرب" پیشروی کردند و حدود ساعت 18/30 اولین تانکهای عراقی با آرم منافقین وارد شهر کزند غرب شدند و تا 5 کیلومتری جاده کزند - اسلام آباد اقدام به تعقیب اتومبیلهای شخصی در حال فرار کردند و مجدداً به شهر بازگشتند. در همین هنگام حدود 8 دستگاه تانک و نفربر به همراه نیروهای پیاده بعثی، شهر کزند غرب را به تصرف درآوردند، و سپس به طرف اسلام آباد غرب پیشروی کردند. بمحض رسیدن به مدخل شهر، اقدام به قطع برق و ارتباط مخابراتی و همچنین تیراندازی و آشفته نمودن اوضاع کردند. در همین حین تعدادی از نیروهای سپاه و مردم با دشمن درگیر شدند که به علت عدم انسجام نیروها و آمیختگی منافقین با مردم، اوضاع از کنترل نیروهای نظامی خارج شد و شهر به تصرف آنها درآمد. پس از تصرف شهر اسلام آباد، دشمن با استفاده از تعداد زیادی تانک "دجله" و خودرو به همراه تعدادی از نیروهای پیاده در جاده اسلام آباد به طرف کرمانشاه حمله کرد، لکن در منطقه حسن آباد (20 کیلومتری اسلام آباد) به دلیل سازماندهی جدید رزمندگان ایرانی و جمع آوری نیرو و نیز با توجه به رسیدن یگانهای منظم خودی، منافقین زمین گیر شدند. نیروهای خودی نیز در فاصله 200 متری آنان در ارتفاعات "چهار زبر" ضمن تشکیل خط پدافندی با نیروهای دشمن و ایجاد درگیری، بعد از ظهر روز 4 مرداد با محاصره شهر اسلام آباد، ضمن پاکسازی و آزاد نمودن شهر، به منظور انسداد عقبه و راه فرار دشمن سه راه اسلام آباد - کزند را قطع کردند و آنها را از دو سمت به محاصره در آوردند.

منافقین در گردنه حسن آباد متوقف شدند و نیروهای خودی با سازماندهی و طرح منظم و حساب شده در روز چهارشنبه 5 مرداد عملیات "مرصاد" را با رمز یا "علی بن ابیطالب(ع)" آغاز نمودند و طی چندین ساعت صدها تن از منافقین را به هلاکت رساندند و مابقی را به فرار واداشتند. در این عملیات، رزمندگان اسلام از قسمت سه راهی اهواز (پشت پمپ بنزین اسلام آباد) دشمن را دور زدند و تلفات زیادی به منافقین وارد کردند.

در حین عملیات نیز، هوانیرو با اعزام هلی کوپترهای کبری و نیروی هوایی با بمباران دقیق مواضع و ادوات منافقین، تلفات فراوان و مؤثری به آنان وارد ساختند. صرف نظر از امدادهای الهی، اصلی ترین عامل سرکوب این حرکت منافقین، هجوم گسترده نیروهای مردمی به جبهه ها و انگیزه قوی پدید آمده در آنان برای مقابله با دشمن بود که مرهون انفاس قدسیه امام خمینی "ره" و یادآور شور و هیجان روزهای نخستین جنگ بود.

در عملیات غرورآفرین "مرصاد" که برگ زرین دیگری در تاریخ جنگ تحمیلی هشت ساله است، بیش از دو هزار و پانصد تن از منافقین به هلاکت رسیدند و بیش از چهارصد دستگاه خودرو، نفربر و تانک آنان منهدم شد و باقیمانده نیروهای دشمن فرار به داخل خاک عراق را ترجیح دادند.

منافقین در این عملیات "راه بازگشت" حدود 5 هزار نفر از اعضا و هواداران خود را داده بودند. آنها آن قدر گرفتار توهمات ناشی از شبخ قدرت و نیروهای نظامی عراق شده بودند که تصمیم داشتند، حداکثر طرف 2 روز نیروهای خود را به تهران بیاورند. رجبی بر این تز پای فشاری می کرد که جمهوری اسلامی ایران و منافقین مثل دو مشت زن در رینگ بکس، با یکدیگر درگیر هستند و مردمی که تماشاگر این صحنه اند، برای طرف غالب ابراز احساسات می کنند.

مشخص است که این تحلیل، صرفاً یک تحلیل ذهنی بیمارگونه بوده که معیارهای واقعی را مدنظر قرار نداده و سازمان با این که در جریان بسیاری از تظاهرات و راهپیمایی ها، شاهد حضور گسترده مردم در حمایت از جمهوری اسلامی بود، روی عامه مردم حساب نکرده بود.

شواهد و قرائن و اسناد، حکایت از آن دارد که منافقین نسبت به پیروزی خود در حرکتی که آغاز کرده بودند، اطمینان بالایی داشته اند. در این حمله تقریباً همه افراد رده بالای سازمان شرکت کرده بودند. منافقین شرکت کننده در این عملیات بسیاری از اشیاء و لوازم شخصی و لوازمی که معمولاً یک نیروی عملیاتی به هنگام عملیات همراه خویش ندارد (نظیر پاسپورت، عکسهای خانوادگی، شماره تلفن دوستان) را با خود آورده بودند، آنها کاملاً مطمئن بودند که در طول مسیر خود با مقابله جدی و درگیری قابل توجهی از سوی رزمندگان اسلام مواجه نخواهند شد. و نهایتاً به دلیل عدم احتمال برخورد با نیروهای اسلام مؤفقت خود را قطعی می دانستند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در تحلیلی که بعد از خنثی شدن توطئه ضد انقلاب و در رأس آنها منافقین در نماز جمعه تهران به عمل آوردند، اظهار داشتند:

"... اینها تحلییشان این بود که ملت از رهبری جدا شده و مردم به جنگ نمی آیند. ارتش حاضر نیست همراهی بکند و پاسداران هم آن صلابت سابق را ندارند بنابراین اعماق خاک ایران نفوذ پذیر است.

... اینها فکر می کردند که از خط اول ما عبور کنند پشت قضیه دیگر چیزی نیست. حتی تعداد افراد کمیته و سپاه هرچایی را هم تعیین کرده بودند. گفته بودند این مقدار نیرو در مقابل شما هست اینها با یک سیاست خاصی به داخل کشیده شدند.

... این کاری که به سر منافقین در عملیات "مرصاد" آمد، مصداق آیه "انا فتحنا لك فتحاً مبیناً" تا به اینجا می رسد که "و یعذب المنافقین و المنافقات و المشرکین و المشرکات الطائین بالله ظن السوء علیهم دایره السوء" است که مانند این است که اصلاً محاصره را مجسم کرده است. من وقتی این آیه را می خواندم چون که می دانستم اینها چطور تحت محاصره قرار گرفتند یک مصداق خوبی برای من بود.

... یک چنین ضربه ای را به غیر از هدایت الهی و غیر از انفاس قدسیه رهبری که قضیه را به خوبی به اینجا رساند هیچ قدرتی در دنیا نمی توانست طراحی و اجرا کند."

اقامه اولین نماز پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال 1358 هجری شمسی

باید ائمه جماعات و ائمه جمعات همه شان توجه کنند به این که این تکلیفشان این است که مسائل را به ملت بگویند، توجه بدهند مردم را به مسائل سیاسی، (است) در عین حالی که عبادت است. در خطبه نماز جمعه باید مسایل سیاسی روز طرح شود. گرفتاریهای مسلمانان طرح بشود. اجتماع کنید، نمازهای جمعه را با شکوه بجا بیاورید و نمازهای غیر جمعه را هم، شیطانها از نماز می ترسند. نماز جمعه که نمایشی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هر چه شکوهمندتر و پر محتواتر اقامه شود... امام خمینی "ره"

قرآن کتاب آسمانی، مردم را همواره به دو چیز مهم دعوت می کند، یکی "کلمه توحید" و دیگری "توحید کلمه"، یعنی این کتاب الهی از مردم می خواهد که به جای این که دنبال هدفهای گوناگون و مقاصد مختلف حرکت کنند، هدف خود را فقط و فقط در يك اصل قرار دهند و آن کلمه مبارکه "لا اله الا الله" است. از طرف دیگر قرآن مجید از مردم می خواهد که همگی در خواستن و رسیدن به این هدف بزرگ متحد و همراه باشند و از تفرقه پرهیز نمایند. همچنین می فرماید:

واعتصموا بحبل الله جميعاً و لا تفرّقوا و اذکروا نعمت الله علیکم اذ کنتم اعدا فالف بین قلوبکم فاصحتم بنعمته اخواناً.

چرا که فرقه فرقه شدن و گروه گروه شدن از آثار شرک و چند هدف خواهی است و موجب جنگ و ستیز در میان گروهها خواهد شد. در این رابطه قرآن کریم، به قبل از بعثت پیامبر اکرم(ص) نیز اشاره می کند: ای مؤمنین یاد آورید نعمت خدا را بر شما، در آن هنگام که شما قبل از نزول وحی و قبل از ایمان به کلمه توحید، همگی دشمن یکدیگر بودید، و هر کدام به راهی می رفتید تا آن که خداوند بر شما منت نهاد و پیامبری به سوی شما فرستاد و همه شما را به سوی يك کلمه واحده دعوت کرد و همگی در سایه ایمان و توحید آرام گرفتید.

به هر حال شکي نیست که اسلام مردم را به "کلمه توحید" و "توحید کلمه" دعوت کرده است و شریعت اسلام برای تحقق این معنی مردم را به تشکیل اجتماعات تشویق کرده و "روز جمعه" وسیله ای برای تحقق این مطلوب مقرر شده است. به همین علت، از آغاز ورود پیامبر اکرم(ص) به مدینه و از آغاز هجرت همواره، "روز جمعه"، از اهمیت خاصی برخوردار بوده است، از اولین روزهای تشکیل حکومت در مدینه، نماز جمعه توسط پیامبر اکرم(ص) برگزار می شد و پیامبر خدا(ص) مردم را پیوسته به این وسیله در جریان مسایل و رویدادهای سیاسی و اجتماعی و دینی قرار می دادند و توده های مردم را با مسائل مربوط به آنان آشنا می ساختند.

شریعت مقدس اسلام، برای آگاهی مردم از مسائل جهان اسلام، دو مرحله پیش بینی کرده است. نخست، اجتماع هفتگی در نمازهای جمعه و دیگری اجتماع بزرگ و سراسری "حج" می باشد و بنا بر اهمیتی که اسلام برای این دو فریضه قائل بوده، در قرآن کریم دو سوره به نامهای حج و جمعه نازل شده است.

شرع مقدس اسلام مقرر داشته همه مردمی که در مساحت دو فرسخ در دو فرسخ ساکن هستند در روزهای جمعه در يك اجتماع عمومی حضور یابند تا از نزدیک با رهبران و پیشوایان خود آشنا شوند و به گفته ها و خطبه های آنان گوش فرا دهند و ضمن دیدار و آشنایی با برادران دینی خود از رویدادهای مهم محلی و جهانی با خبر شوند. نخستین نماز جمعه در اسلام:

رسول اکرم اول ماه ربیع الاول از مکه به سوی مدینه هجرت کردند و دوازدهم آن ماه به دهکده قبا نزدیک مدینه نزول اجلال فرمودند. حدود هفت روز در آنجا نزد عمرو بن عوف به انتظار آمدن امیرالمومنین(ع) توقف کردند.

رسول خدا به اتفاق حضرت علی(ع) در روز جمعه بر طایفه بنی سالم بن عوف وارد شدند و در آنجا محلی را برای مسجد انتخاب فرمودند و پس از تعیین قبله نخستین نماز جمعه را اقامه کردند.

این اولین نماز جمعه ای بود که توسط بزرگترین پیامبر الهی، خاتم النبیین رسول الله(ص) در مرکز طایفه بنی سالم بن عوف اقامه شد. رسول اکرم(ص) خطبه بلیغی ایراد فرمودند که در اعماق قلوب آنان اثر بدیعی گذاشت. متن خطبه را هشام در سیره، جلد 1، صفحه 500 آورده است. ترجمه متن خطبه حضرت رسول به شرح زیر می باشد:

سپاس و حمد مخصوص خدایی است که حمد او را به جای آوریم. یاری از او می طلبیم و آمرزش و هدایت از او می خواهم و ایمان به او دارم و (هرگز) کافر به او نشدم، دشمنی می کنم با کسی که به او کافر شده، شهادت می دهم به این که خدایی نیست جز خدای یکتا که همتایی برای او نیست و شهادت می دهم محمد(ص) بنده (شایسته) و رسول (گرامی) اوست.

او را با هدایت و نور و موعظه فرستاد در حالی که از زمان انبیا تا بعثت پیامبر خیلی فاصله شده بود و مردم با گمراهی و کمی دانش و بریدگی از زمان و نزدیکی و فرا رسیدن اجل روبرو بودند. کسی که از خدا و پیامبرش پیروی کند از تحقیق به هدایت و پیروزی راه یافته است و کسی که از آنها نافرمانی کند گمراه گشته و بیراهه رفته است و به گمراهی ژرف افتاده، شما را به تقوا و خویشستن داری سفارش می کنم. همانا تقوا چیزی است که مسلمان، برادر اسلامیش را به آن توصیه و امر می کند و او را به آخرت برمی انگیزاند. پس شما باید از کیفر الهی بترسید. به تحقیق کسی که دارای تقوی الهی باشد و عمل به آن کند (تنها) خوفش از خداست، تقوا یاور صادقی است بر آنچه از آخرت بخواهید. کسی که ما بین خود و خدا را در امر نهان و آشکارش اصلاح کند و قصدی جز رضای خدا نداشته باشد (این کار) باعث سعادت دنیای او و ذخیره برای بعد از مرگش می باشد، در آن هنگام که به آنچه از پیش فرستاده نیاز (شدید) دارد، و اگر جز این باشد دوست دارد بین او و کارهایی که مرتکب شده فاصله بسیار باشد. خداوند شما را از کیفرش بر حذر می دارد، از آنجا که به بندگانش مهربان است، سوگند به خدایی که گفته اش را صدق مقرون ساخته و به وعده اش وفا کرده است، این گفتار دروغ نیست. همانا خدا می فرماید: "ما یدل القول لَدّی و ما أنا بظلام لِّلعبید" و عده عذاب من مبدل نخواهد شد و هیچ ستمی به بندگانم نخواهم کرد. (سوره ق آیه 29)

پس در امر دنیا و آخرت چه در پنهان و چه در آشکار، با تقوی شوید. زیرا هر کس از محرمات الهی اجتناب ورزد، موجب کفاره گناهانش گردد، و پاداش خوبی برای او خواهد بود. و هر که با تقوا شود، تحقیقاً به رستگاری بزرگی دست یافته است تقوا جلو خشم و عقوبت الهی را می‌گیرد و چهره‌ها را نورانی و پروردگار را خوشنود می‌کند و موجب ترفیع درجه می‌شود، بهره خود را از آن برگیرید. در جوار خداوند غفلت نکنید. (از رحمتش محروم می‌شوید) خدا احکام قرآن را به شما یاد داد و راهش را برای شما روشن ساخت تا آنان را که راست گویند و دروغ گویند معلوم گرداند. پس نیکی کنید همچنان که خداوند به شما نیکی کرده است. دشمن دارید دشمنانش را، در راهش آنطور که باید جهاد کنید او شما را برگزید و (افتخار) مسلمانی را روی شما گذاشت تا هر که نابود شدنی است بعد از اتمام حجت به زندگی ابدی رسد. هیچ قوه و نیرویی نیست جز از جانب خداوند. (پیوسته) یاد خدا زیاد کنید و برای آنچه بعد از مرگ است، کار کنید، همانا، که خداوند حاکم بر مردم است و مردم بر او حاکم نیستند. او مالک انسان است و انسانها مالک خداوند نیستند " الله اکبر و لا حول و لا قوه الا بالله العلی العظيم"

حضرت رسول در اولین نماز جمعه:

همانا، حمد و ستایش مخصوص خداست، سپاسگزار اویم، و از وی یاری می‌طلبم. از بدآموزیهای اعمال نفسانی و گناهانمان به خدا پناه می‌بریم. هر کسی را خدا هدایت کند، پس راهنمایی برای او نیست. گواهی می‌دهم به این که خدایی نیست جز خدای یکتا که همتایی برای او نمی‌باشد. به تحقیق بهترین گفتار، کتاب خدای تبارک و تعالی است. به تحقیق رستگار شد کسی که خدا و قرآن را در قلبش زیور قرار داده است و او را در اسلام وارد ساخته بعد از کفر، خدا برگزید قرآن را بر ما سواي آن. از سخنان مردمان همانا قرآن نیکوتر و رساترین حدیث است و دوست دارید چیزی را که خدا آن را دوست می‌دارد. خدا را از ته قلب دوست دارید، و از کلام خدا و یاد آن خسته نشوید. بینش خود را مقیاس قرآن قرار ندهید (بلکه قرآن را مقیاس قرار دهید). زیرا خدا قرآن را از میان تمام چیزهایی که آفریده و برگزیده، اختیار کرده است به تحقیق خدا بهترین اعمال برگزیده از مردم و صالح ترین گفتار و آنچه مردمان از حلال و حرام می‌آورند، اختیار فرموده است. پس خدا را عبادت کنید و هیچ به او شرک نیاورید و آن طور با تقوا باشید که شایسته آن است و با بهترین عبارت، که با آن سخن می‌گویید، خدا را تصدیق کنید و با رحمت و مهربانی خدا با یکدیگر رفتار کنید.

همانا خدا خشمناک می‌شود از شکستن عهد و پیمانانش. والسلام علیکم.

نماز جمعه از دیدگاه روایات و اخبار و کلمات بزرگان:

پیرامون نماز جمعه روایات زیادی وارد شده است که جهت نشان دادن اهمیت این فریضه الهی به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

1- پیامبر اسلام(ص) فرمودند:

خداوند، نماز جمعه را تا قیام قیامت بر شما فریضه واجب قرار داده است. همچنین در حدیث دیگری فرموده اند که: راه افتادن و حرکت کردن به سوی نماز جمعه، حج توده‌های محروم این امت است.

2- امیرالمومنین علی علیه السلام فرمودند:

در حالی که امام(جمعه) خطبه می‌خواند، کلامی نباید گفت و روی خود را به این سوی و آن سوی نباید کرد، مگر همان مقدار که در نماز فریضه جایز است.

3- حضرت امام جعفر صادق(ع) به نقل از پدر بزرگوارشان فرمودند:

هر مسافری که به نماز جمعه حاضر شود و به جهت غربت در امر نماز آن را بر پای دارد خداوند اجر و پاداش صد مقیم را می‌دهد.

4- امام صادق(ع) فرمودند:

در روز جمعه، سوره جمعه و منافقون را بخوان، زیرا که قرائت سوره‌های جمعه و منافقون در روز جمعه در نماز صبح و ظهر و عصر سنت و روش رسول الله(ص) است سزاوار نیست که در روز جمعه سوره‌ای غیر از این دو سوره در نماز خوانده شود.

5- از امام صادق(ع) روایت است که فرمودند:

خداوند مومنین را به وسیله سوره جمعه مورد اکرام و احترام قرار داد و بنابراین پیامبر خدا(ص) این سوره را در رکعت اول نماز جمعه مقرر کرد تا موجب بشارت و مژده مومنین باشد و همچنین پیامبر خدا سوره منافقون را در رکعت دوم نماز جمعه قرار داد تا مزید بر توبیخ و ملامت و سرزنش منافقان باشد و بنابراین ترک این دو سوره در نماز جمعه سزاوار نیست و هر کسی عمداً آن را ترک کند، نماز او نماز نیست، "یعنی نماز کامل نیست".

6- از امام رضا(ع) منقول است که فرمودند:

اگر کسی بگوید که چرا در نماز جمعه خطبه، مقرر شده است، در پاسخ گفته می‌شود: برای این که نماز جمعه محل اجتماع عموم مردم است و خداوند متعال خواسته است که بدین وسیله امام جمعه، سبب موعظه مردم شود و آنان را به اطاعت پروردگار تشویق کند و از معصیت بترساند و آنان را از خیر و ضررشان و از صلاح و فسادشان آگاه نماید.

اقامه اولین نماز جمعه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران

روز جمعه، پنجم مرداد ماه سال 1358 (سوم ماه مبارک رمضان 1399 قمری) اولین نماز جمعه در تهران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به امامت مرحوم آیت الله سید محمود طالقانی در دانشگاه تهران برگزار شد.

امام خمینی "ره" چند روز پیش از تاریخ، این وظیفه را به ایشان تکلیف کردند و دستور بر پایي و اقامه نماز جمعه را صادر فرمودند. واگذاری این تکلیف عظیم و سنگین توسط رهبر فرزانه انقلاب در حساس ترین برهه از زمان انقلاب بر عهده آیت الله

طالقانی که همچون ابودر، زبان گویایی برای بازگویی حقایق و رسوا نمودن دشمنان انقلاب داشت، امر خطیری بود. جالب این است که مکان اقامه نماز را يك مکان علمي يعني دانشگاه تهران تعیین کردند که این نشان دهنده پیوند عمیق علم با عبادت و سیاست با دیانت است.

جمعیت انبوه و میلیونی که از نخستین ساعات بامداد از نقاط مختلف شهر تهران به دانشگاه و خیابانهای اطراف هجوم آورده بودند با مشاهده امام جمعه، تکبیر گویان به استقبال ایشان رفتند و لحظاتی بعد شعارها به اوج خود رسید و جمعیت با سر دادن شعارهای انقلابی، حمایت خویش را از رهبري امام خمینی "ره" و نهضت الهی ایشان اعلام داشتند. مرحوم طالقانی، به محض ورود به جایگاه، شروع به ایراد خطبه کردند و در خطبه اول، فلسفه نماز جمعه را تشریح نمودند و در خطبه دوم به بحث درباره مسایل سیاسی روز پرداختند.

آیت الله طالقانی در رابطه با نماز جمعه و تاریخچه آن گفتند:

" نماز جمعه مظهر کاملی است از وحدت توحیدی ملت مسلمان و در عین حال آگاهی و افشا کردن دسایس دشمنان و مطلع کردن همه مسلمانان به وظایفی که در مدت يك هفته در پیش دارند. نماز جمعه با توجه به آیه کریمه "فاذا نودي الصلوة من يوم الجمعة فاسعوا الي ذكر الله..." آغاز شد. وقتی حضرت محمد(ص) از مکه به مدینه هجرت فرمودند، در جنوب شهر یترب که هنوز به نام مدینه الرسول نامگذاری نشده بود در روبروي مسجد قبا در روز جمعه نماز گزارند. در اولین جمعه بعد از این نماز، حضرت محمد(ص) بین راه مسجد قبا و مدینه، اولین نماز جمعه را به شکلی که بعدها در اسلام مرسوم شد به جای آوردند. این اولین شکل صف توحیدی، صف اقامه و قسط، صف جهاد، و صف نماز جمعه و مظهر کاملی از صف توحیدی ملت اسلام و در عین حال آگاهی، تفسیر، هوشیاری، افشا کردن دسایس دشمن و مطلع کردن همه مسلمانان به وظایف و مسئولیتهایی - که لاقلاً در مدت يك هفته در پیش دارند - بود."

"نماز جمعه صف عبادت و صف حق پرستی، صف قنوت، و وجدانهای بیدار خدایپرستان در عین حال صف فرماندهی، صف جنگ و فرمانبری است."

"آن صف مختصری که در ابتدای هجرت و در آغاز تأسیس مجتمع قسط و عدل اسلامی در بیابانهای مدینه تأسیس شد، گسترش پیدا کرد؛ ادامه یافت و شرق و غرب دنیا را فرا گرفت... .

فلسفه تعطیل شدن و نیمه تعطیل شدن نماز جمعه در میان مسلمانان و بین ما شیعیان همین است که صف نماز، صف جمعه يك صف سیاست و عبادت و اجتماع اسلامی است و باید با رهبري رهبریهای که از مردم و خدا انتخاب شده اند این صفها تشکیل بشود و نماینده چنین رهبریهای الهی باشند. ولی بعد از آن که اسلام وموازن و احکام اسلام به صورت انحرافی در آمد، صف جمعه هم وابسته شد، به صف طاغوتها؛ شیعه در اقامه این جماعت و این اجتماع توقف کرد ولی امروز که طاغوتها و طاغوتیان سرنگون شده اند و رهبري، رهبري الهی است، امامت است، عدل است، قسط است باید همه برادران در شهرها و قصبات و اطراف کشور همان طوری که امام خواسته اند این صف را تشکیل بدهند... ."

ایشان در خطبه دوم به مهمترین مسئله سیاسی روز که انتخابات مجلس خبرگان جهت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بود، پرداختند و راهنماییها و تذکراتی را در این جهت ارائه فرمودند.

با آغاز اقامه نماز جمعه، گروهکهای مغرور و منافق که برای فریفتن مردم و برای واژگون نشان دادن مسائل و به انحراف کشیدن انقلاب، دست به تبلیغات بسیار عظیم و خطرناک و حساب شده زده بودند و سرمایه های عظیمی را در این مسیر به کار گرفته بودند تا با پخش شایعات و رواج اکاذیب در بین مردم، انقلاب اسلامی را به انحراف بکشانند و نابود نمایند، ناگهان با يك معجزه بزرگ الهی و اسلامی روبرو شدند و با برپایی نماز دشمن شکن جمعه تمامی نقشه های منافقان نقش بر آب شد و اینان که سالها چهره خود را در پوششی از صلاح و سداد مخفی کرده بودند، نتوانستند این امت را به گمراهی بیاندازند و اتحاد و اجتماع صفوف نمازگزاران نماز جمعه بود که سرانجام توطئه های حساب شده و ترتیب یافته منافقان را خنثی ساخت و حيله و تزویر آنان را در هم شکست. شیاطین و منافقان در همه جا راه یافتند اما در صفوف نماز جمعه هرگز راه نیافتند و در هر کجا عالمی آگاه و نماز جمعه ای با شکوه بود منافقان از آنجا رانده شدند و سرانجام از صفوف همین نماز جمعه ها بود که مشتبهای گره کرده به سوي منافقان و احزاب و گروهکهای مغرور و مستکبر و از خدا بی خبر نشانه رفت و آنان را پراکنده، متواری و نابود ساخت و از همین سنگر الهی نماز جمعه بود که توده های آگاه حزب الله ضد انقلاب را مجبور به شکست کردند و نفرت و خشم و غضب خود را بر سر منافقان و معاندان ریختند.